

Fereydoun Rahnama and the Influence of the Surrealist Movement on
Contemporary Persian Poetry known as “She’r-E No”
(Translates in English as “New Poetry”)

Maryam Azizi¹ | Mohammad Ziar²

1. Ph.D. Candidate of French language and literature, Department of Foreign Languages, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran. Email: maryam_az58_fr@yahoo.com
2. Associate Professor of the Department of French Language and Literature, Central Tehran Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mohaziar16@gmail.com

Article Info

Article Type:
Research Article
(41-56)

Received:
30 April 2024

In Revised Form:
17 October 2024

Accepted:
07 May 2024

Published online:
20 September 2024

Abstract

Surrealism is one of the literary movements that emerged at the beginning of the 20th century in Europe and France, influencing other nations' literature, including Persian literature, with significant impact. In Iran, the poetic movements known as "Moj-E No" (translated into English as "New Wave") and "Hajm-Gara" have been more influenced by this school than other contemporary poetic movements. The aim of the present study is to investigate the historical and social impact of the Surrealist school and the influence of French poet Paul Éluard's poems on Iranian poet Fereydoun Rahnama. The French postmodernist movement was identified by Iranians in the twentieth century through several influential figures. One of these figures is Forough Farrokhzad. This Iranian poet who wrote poetry in both French and Persian, and whose French poems were admired by Paul Eluard, participated in various gatherings and acquainted young poets with what was happening in Europe. Among these youths who were part of her circle of friends were Ahmad Reza Ahmadi and Yaddollah Royae. We know that the first established the foundation of the New Wave of Persian poetry, while the second initiated the movement of voluminous poetry. As a result of these literary gatherings, poets even repeated the life experiences of the first generation surrealists. Among these practices were automatic writing and group writing, which were invented by the Dadaists and Surrealists of the first generation. Using the method of content analysis and a comparative approach, this article first provides a brief overview of the Surrealist movement and its literary principles. It then demonstrates that Fereydoun Rahnama's interest in classical Iranian literature, such as Ferdowsi's Shahnameh and Beyhaqi's works, leads him to blend the Surrealist school with the style of these texts. This fusion paves the way for a new form of poetry called "new wave" and contributes to the volume of contemporary Iranian literature, including poets like Ahmad Shamlou, Forough Farrokhzad, Ahmad Reza Ahmadi, Nader Naderpour, Yadullah Rouya.

Keywords:

Surrealism, Paul Éluard, Fereydoun Rahnama, Ahmad shamloo; Persian “She’r-E No” (Translates in English as “New Poetry”)

Cite this article:

Azizi, Maryam; Ziar, Mohammad (2024). “Fereydoun Rahnama and the Influence of the Surrealist Movement on Contemporary Persian Poetry known as “She’r-E No” (translates in English as “New poetry). *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Vol: 13, Issue: 2, Ser. N.: 34 (41-56).

DOI:

<https://doi.org/10.22059/jlcr.2024.375677.1989>

Publisher:

The University of Tehran Press. © Maryam Azizi, Mohammad Ziar





انسان‌ها و انسانی‌ها

پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت

شاپای الکترونیکی: ۷۶۲۷-۲۶۷۶

<https://jalit.ut.ac.ir>



فریدون رهنما و تأثیر جنبش فرا واقع‌گرا بر شعر نو فارسی

مریم عزیزی^۱ | محمد زیار^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، گروه فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: maryam_az58_fr@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mohaziar16@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

سوررئالیسم یکی از نهضت‌های ادبی است که از ابتدای قرن بیستم در فرانسه و اروپا پیدا شد، به ادبیات دیگر ملل از جمله ادبیات فارسی راه یافت و بر آن‌ها تأثیر گذاشت. در ایران جریان‌های شعری «موج نو» و «حجم‌گرا»، بیش از سایر جریان‌های شعر معاصر از این جنبش تأثیر پذیرفته‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی عملکرد تاریخی و اجتماعی نهضت سوررئالیست و تأثیر اشعار پل الوار، شاعر فرانسوی بر فریدون رهنما شاعر ایرانی است. جنبش فرا واقع‌گرای فرانسه به‌واسطه چند چهره تأثیرگذار در دهه سی شمسی به ایرانیان شناسانده شد. یکی از این چهره‌ها فریدون رهنماست. این شاعر ایرانی که به دو زبان فرانسوی و فارسی شعر می‌سرود، و سروده‌های فرانسوی‌اش تحسین پل الوار را بر انگیزنده بود، در محافل گوناگون حاضر می‌شد و شاعران جوان را با آنچه در اروپا می‌گذشت آشنا می‌کرد. از جمله این جوانان که در حلقه دوستان او جای داشتند یکی احمد رضا احمدی و دیگری یدالله رؤیایی بود. می‌دانیم که اولی بنیان‌گذار موج نو شعر فارسی شد و دومی سلسله جنبان شعر حجم‌گرا. در اثر این مجالست‌ها شاعران حتی تجربه‌های زیسته نسل نخست سوررئالیست‌ها را تکرار کردند. از جمله به تمرین نوشتار خودکار و نوشتار گروهی که ابداع دادائیسیت‌ها و سوررئالیست‌های نسل نخست است دست یازیدند. این مقاله با روش تحلیل محتوا و رویکرد تطبیقی در ابتدا نگاهی کوتاه به جنبش فراواقع‌گرا و اصول این جریان ادبی میندازد و در نتیجه نشان می‌دهد که فریدون رهنما با علاقمندی به ادبیات کلاسیک ایران مانند شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی و... مکتب فراواقع‌گرا را با سبک این متون ترکیب می‌کند و راه و شیوه جدیدی پیش پای شاعران نوپرداز، موج نو و حجم در ادبیات معاصر ایران از جمله احمد شاملو، فروغ فرخزاد، احمد رضا احمدی، نادر نادرپور، یدالله رؤیایی و دیگران می‌گذارد.

نوع مقاله: پژوهشی

(۴۱-۵۶)

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۳۰

کلیدواژه‌ها:

عزیزی، مریم؛ زیار، محمد (۱۴۰۳). «فریدون رهنما و تأثیر جنبش فراواقع‌گرا بر شعر نو فارسی». *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۱۳، ش ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۳۴ (۴۱-۵۶).

استناد

<https://doi.org/10.22059/jlcr.2024.375677.1989>



© نویسنندگان

مریم عزیزی، محمد زیار

ناشر

۱. مقدمه

شعر زبان گویا و سرچشمه احساس، عاطفه و درونمایه گرایش‌ها و آرمان‌های هرملتی است. شعر از یک سو با نقش بی‌بدیل در ادبیات حماسی و بیان اساطیر، به زیباترین شیوه با پیشینه تاریخی یک جامعه ارتباط برقرار می‌سازد و از سویی، جهان دیگر هر جامعه‌ای را می‌سازد که در قالب ادبیات روشنفکری و آرمان‌های عصری انسان‌ها نقش‌آفرینی می‌کند. شاعران در هر گوشه‌ای که از جهان باشند، در صورت آشنایی، از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. از این رو ادبیات یک کشور بر کشور دیگر اثرات شاخصی می‌گذارد که این اثرات وقتی از جامعه مبدأ به جامعه مقصد می‌رسد با فرهنگ آن جامعه می‌آمیزند و سبک تازه دیگری از شعر و ادبیات ساخته می‌شود. در بررسی شعر معاصر ایران این نکته بااهمیت حاصل می‌شود که این شعر در حوزه شعر منثور از شعر معاصر اروپا و به‌ویژه فرانسه تأثیرات بسیاری پذیرفته است. جنبش سوررئالیست یکی از نهضت‌هایی است که تأثیر خود را بر ادبیات معاصر ایران گذاشته و پل الوار (۱۸۹۵-۱۹۵۲ م) از شاعران نامدار فرانسوی نیمه نخست سده بیستم یکی از نمونه‌های تأثیرگذار بر شاعران معاصر ایرانی بوده است.

این مقاله بر آن است تا در مقام مقایسه به بررسی تطبیقی تأثیر تجربه فراواقع‌گرا در اشعار پل الوار فرانسوی بر شعر فریدون رهنما بپردازد. زیرا الوار را نخستین بار فریدون رهنما به شاعران ایرانی جریان نیمایی معرفی کرد؛ چنانکه شواهد نشان می‌دهد پس از آن احمد شاملو بیشترین نقش را از او پذیرفته و با ترجمه آثار، برگردان اشعار او به زبان فارسی و خوانش آنها در جمع شاعران نواخته‌چهره او را به جامعه ادبی ایران شناساند. در پی آن ترجمه اشعار الوار ادامه یافت و افرادی همچون محمد تقی غیائی، حشمت جزنی، محمد رضا پارسایار، قاسم صنعوی، رضا سید حسینی و جواد فرید از کسانی هستند که با ترجمه اشعار الوار او را بیشتر در ادبیات ایران بر سر زبان‌ها انداخته‌اند.

از این رو ضرورت و اهمیت شناخت پل الوار و تأثیر او بر فریدون رهنما به‌عنوان معرف این شاعر به شاعران پارسی‌گو آشکار می‌شود. بررسی مقایسه‌ای قالب‌ها، مضامین و سبک آثار الوار می‌تواند هدایتگر و الهام‌بخش فنی و محتوایی نسل جدید در عرصه ادبی و اجتماعی باشد. هدف این جستار با پرسش‌هایی در باب تأثیرات جریان سوررئالیست و پل الوار بر رهنما در زمینه قالب، محتوا و مضامین پیش می‌رود و نگارش مقاله با روش تحلیل محتوا در حوزه تطبیقی و تحلیلی بر اساس اسناد کتابخانه‌ای فرجام می‌پذیرد.

۲. پیشینه تحقیق

تأثیر ادبیات فرانسه به‌ویژه پل الوار بر شعر معاصر ایران و شاعران سبک نیمایی و منثور موضوعی بوده که مورد توجه منتقدان بسیاری قرار گرفته است؛ از جمله محمدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شعر پل الوار بر شعر احمد شاملو» با رویکردی تطبیقی به تأثیر پل الوار بر شعر شاملو پرداخته، به این نتیجه رسیده است که شاملو در شیوه چینش واژگان، ترکیب‌ها،

حروف ربط و... از شعر الوار تأثیر پذیرفته است؛ البته نه تأثیر مقلدانۀ صرف. جعفری و... (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با نام «طبیعت و کارکردهای آن در دستگاه فکری فریدون مشیری و پل الوار» نشان داده است که شعرای یاد شده عمده‌ترین تصاویر شعری خود را با الهام از طبیعت و عناصر آن سروده و لحظاتی را به تصویر کشیده‌اند که می‌توان از آنها دو برداشت متفاوت ارائه داد: اول بیان حالات روحی و رسیدن به پویایی و بازجست من شاعر و دوم شرح حقیقتی خلاف عادت برای شگفت‌آفرینی و ایجاد پیوند بین روان انسان و عوالم فراسوی. با این توضیح که تصاویر شعری پل الوار در پیوند با طبیعت درهم تنیده‌اند و این درهم‌آمیختگی موجب شگفت‌انگیز شدن تصویر می‌شود. همچنین قلعه تکی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی اسطوره ققنوس در شعر نیما یوشیج و پل الوار» به این نتیجه رسیده است که شعر این دو شاعر نقطه عطف گذار از شعر سنتی به شعر نو و نقطه اوج تحول شعر در قرن بیستم در دو کشور ایران و فرانسه است، پدیده‌ای که ظهور ققنوس در شعر این دو شاعر را به روشنی توجیه می‌کند. نامجویان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر ترجمه آثار سوررئالیستی برخی شاعران فرانسه (پل الوار، ژاک پروپر) بر شعر سپیده شاملو» تأکید کرده است که با مطالعه ترجمه‌های شاملو و نشان دادن تأثیرات ترجمه شعر غرب در اشعار وی بر زبان فارسی، می‌توان نتیجه گرفت که امر ترجمه به شعر فارسی غنا بخشیده است و با گشودن دریچه‌های جدید فکری، آن را در برهه‌ای از سرگردانی نجات داده است. شاملو به اذعان بسیاری از منتقدان پایه‌گذار گونه شعر سپید است زیرا این شاعر پیش و بیش از همه به کم توانی شعر قدیم فارسی در ابداع قالب‌ها و محتوای نو پی برده بود.

همانطور که مشاهده می‌شود در پیشینه تحقیق کتاب یا مقاله‌ای که به روشنی تأثیر پل الوار را بر فریدون رهنما نشان دهد یافت نشد و نوآوری این پژوهش از آنجاست که پل الوار و فریدون رهنما دو شاعر از دوسوی دنیای معاصر هستند که با نگاهی جهانی هر کدام با قالب‌شکنی به خلق صورت و محتوا پرداخته، توانسته‌اند پایه‌گذار سبکی نو با قوالب و مضامین امروزین و تأثیرگذار در شعر هم‌روزگار در زبان و ادبیات فرانسه و فارسی باشند. چنانکه امروزه شاهد نسل‌هایی برآمده از مکتب این دو شاعر بزرگ و نقش‌آفرین در میان هر دو ملت هستیم.

۳. مقدمات نظری پژوهش

۳.۱. جنبش سوررئالیست یا فرا واقع‌گرا

جنبش سوررئالیست در قرن بیستم در فرانسه آغاز شد اما تأثیری دامنه‌دار از خود بر ادبیات جهان بر جای نهاد. سوررئالیسم به معنی گرایش به فراسوی واقعیت یا واقعیت برتر است. زمانی که دادائیسیم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیسیم‌ها به شمار می‌رفت، گرد آمدند و طرح نهضت جدیدی را پی‌ریزی کردند. این شیوه در سال ۱۹۲۲ به‌طور رسمی از فرانسه آغاز و فراواقع‌گرایی نامیده شد. این مکتب بازتاب نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های قرن بیستم است (گیوی، ۱۳۶۷: ۱۶۹). در واقع انسان مدرن قرن بیستم، بیش از حد با گذشته علمی خود به انتظار وضعیتی بهتر در سایه پیشرفت‌های ناشی از فرهنگ روشنگری اعتماد کرده بود. بشر پس از دوران طلایی سال‌های نخست قرن است که متوجه می‌شود نه تنها

چیزی تغییر نخواهد کرد بلکه وضعیت روز به روز بدتر خواهد شد. نتیجه آن شد که اراده‌ای قوی برای تغییر زندگی و تمایلی شدید برای شورش در افرادی چون آندره برتون و تریستان تزارا و همفکران آن‌ها به وجود آمد. این خواسته در ابتدای کار با تغییرات در زبان و کارکردهای آن توسط شاعران آشکار شد. در حقیقت ویرانی زبان عادی و انکار روش صحیح گفتار هدف اول سوررئالیست‌ها بود (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

سوررئالیسم، در واقع عصبانی است در برابر تمدن غرب؛ چرا که اعضای این جریان کسانی بودند که دوران نوجوانی آنها با جنگ جهانی اول مصادف شده بود. از نظر این افراد، تمدنی که عامل ایجاد جنگ و ویرانی است به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. به همین سبب، این نوجوانان با انقلابی فکری و هنری در قالب مکتب سوررئالیسم، اعتراض خود را به این تمدن و جهان صرفاً "مادی" نشان دادند (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۷۸۳-۷۸۱).

۲.۳. هنر در جنبش فراواقع‌گرا

سوررئالیست‌ها با توجه به این مطلب، اهمیت ویژه‌ای برای خواب و رؤیا قائل بودند. آنها می‌کوشیدند با کمک خواب (مصنوعی یا طبیعی) به آن بخش از ذهن که در حالت عادی قابل دسترسی نیست، دست یابند.

بیشترین تجلی سوررئالیسم در هنر مربوط به "شعر" است. آنها شعر را رکن اساسی زندگی می‌دانستند؛ از این رو به "داستان بلند" و "داستان کوتاه" توجه چندانی نشان ندادند؛ زیرا به عقیده آنها تنها در شعر می‌شود مجال بیشتری برای تخیل به دست آورد. ناگفته نماند که دیگر هنرهای بصری مانند "نقاشی"، "تئاتر"، "سینما" و "مجسمه‌سازی" نیز در حیطه کار سوررئالیست‌ها قرار گرفت (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۸۰).

سوررئالیست‌ها برای آفرینش‌های هنری خود از ابزار و روش‌های خاصی استفاده می‌کردند. یکی از این روش‌ها، نگارش خودکار بود. آنها با ذهنی نیمه هوشیار، بدون هرگونه طرح و تفکری شروع به نوشتن چیزهایی می‌کردند که در آن لحظه از ذهنشان عبور می‌کرد. در این روش بخش هشیار ذهن هیچ‌گونه دخالتی نداشت. نخستین اثری که به این شیوه نگاشته شد "میدان‌های مغناطیسی" اثر مشترک "آندره برتون" و "فیلیپ سوپو" بود (همان).

شاخص‌ترین آثاری که در زبان فارسی تحت تأثیر مکتب سوررئالیسم نگاشته شد، "بوف کور" و "سه قطره خون"، نوشته "صادق هدایت" بوده است. "هوشنگ ایرانی"، "یدالله رویایی" و "احمدرضا احمدی" نیز آثاری در این زمینه پدید آورده‌اند (انوشه، ۱۳۷۶: ۸۴۰).

البته در ایران تلاش‌ها یا تمرین‌هایی نیز برای تولید آثار ادبی به شیوه نگارش دسته جمعی، که از ابتکارهای دادائیس‌ها است انجام شده بود اما چندان بر آن مداومت و تمرکز صورت نگرفت.

در شماره نخست جزوه شعر (۱۳۴۵) نمونه‌ای از این حرکت‌ها را که در محافل شاعران موج نو اتفاق افتاده است می‌خوانیم:

«چندی پیش عده‌ای از دوستان ما برای تفنن هر یک بیتی سروده و به طور اتفاقی آن ابیات را زیر هم نوشتند؛ آنچه حاصل شد سه قطعه است که... غرض از انتشار این سه قطعه - صرف نظر از زیبایی آنها - این بود که ببینیم چگونه محیط و دنیای پیرامون بر ذهن انسان اثر می‌گذارد و چگونه چند شاعر با سلیقه‌های مختلف وقتی در میان اشیای معینی به سر می‌برند همگی به نوعی و به صورتی متشابه تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند...»

من سیاه

من سفید، زرد

من چنگ رنگ‌ها را میبینم آهنگ‌های زندانی در فضای الکلی
ملاک عقل به وقت اندیشیدن،

+ + +

زمینی که می‌سوخت

به تو خیره شدم

چشمانت غرق در سبزی شد

+ + +

برای میز و فنجان

تصمیم گرفتم

لاله‌های دیواری

مرا با خود به شاه نشین می‌برد

اما سقف کافه کوتاه است.

(به نقل از رویایی، ۱۳۵۷، ۲۴۷)

۳.۳. پل الوار

پل الوار (به فرانسوی: Paul Éluard) با نام اصلی اوژن-امیل-پل گرندل (به فرانسوی: Eugène-Émile-Paul Grindel) (زاده ۱۴ دسامبر ۱۸۹۵ - درگذشته ۱۸ نوامبر ۱۹۵۲) شاعر فرانسوی است. او از رهبران جنبش سوررئالیست بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۸ و همچنین یکی از پایه‌گذاران مجله انقلاب سوررئالیست در سال ۱۹۲۴ بود.

پل الوار در سن -دنی در شمال پاریس به دنیا آمد. پدرش کارمندی ساده بود و مادرش خیاط. وی در ۱۵ سالگی به علت ابتلا به سل مجبور شد تحصیل را رها کند و برای استراحت به مدت یکسال و نیم به کوهستان‌های سوئیس سفر کند. پس از بهبود و بازگشت به پاریس برای اولین بار چند قطعه از اشعار خود را در مجلات مختلف ادبی فرانسه به چاپ رساند. در سال ۱۹۱۴ به خدمت نظام احضار شد و در بخش پرستاری انجام وظیفه کرد، در سال ۱۹۱۷ اولین دفتر شعر خود را به نام وظیفه و نگرانی (le Devoir et l'Inquiétude) و یک سال بعد در ۱۹۱۸ دومین دفتر شعرش را با عنوان اشعاری برای صلح (Poèmes pour la paix) را به چاپ رسانید.

الوار پس از پایان جنگ، با آندره برتون، لوئی آراگون و فیلیپ سوپو آشنا شد و با مشارکت آنان بیانیه شعر سوررئالیستی فرانسه را امضا کرد و جنبش ادبی سوررئالیسم را پایه‌گذاری کرد. با مجموعه‌های جانوران و آدمیزادگانشان (les Animaux et leurs hommes) (۱۹۲۰)، نیازهای زندگی و نتایج رؤیاها (les Nécessités de la vie et les Conséquences des rêves) (۱۹۲۱)، به عنوان یکی از شاعران نامدار سوررئالیسم شناخته شد. (برگرفته و ترجمه از سایت نویسندگان فرانسوی).

محمد حقوقی طی مصاحبه‌ای که سال ۱۳۵۶ با او می‌شود، در پاسخ به این پرسش که "با شعر خارجی چقدر آشنا هستید؟" می‌گوید: من هم مثل دیگران ابتدا با ترجمه‌های شاعران رمانتیک امثال هوگو، لامارتین، موسه، بایرون، هاینه و چند شاعر دیگر که در دورهٔ محصلی ما معمول بود آشنا شدم. و بعد مثل غالب شاعران نوپرداز با شعر سمبولیست‌های فرانسه امثال بودلر، نروال، ورن و رمبو و سوررئالیست‌های انعطاف پذیرفته مثل آراگون و الوار و به خصوص به لحاظ‌هایی که می‌دانید و بیشتر از روی کنجکاوی که مگر الوار و مایاکوفسکی و امثال این‌ها چه نوع شاعرانی هستند که گفته می‌شود مثلاً شاملو تحت تأثیر این‌هاست (حقوقی، ۱۳۶۸، ۳۹۸).

۴. چهارچوب عملی پژوهش

۴.۱. فریدون رهنما

فریدون رهنما شاعر، اندیشمند و سینماگر مطرح معاصر است که نقش مهمی در ارتقای زبان و فرهنگ سینما در ایران داشت. به اعتراف برخی شاعران و سینماگران او با دفاع از حرکت‌های مدرن و آوانگارد در حوزهٔ ادبیات، سینما و تئاتر، تأثیر غیرقابل انکاری در معرفی شعر و اندیشه‌های مدرن گذاشت. فریدون رهنما در خرداد ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. در کودکی بنا به دلایلی مجبور شد تا با خانواده‌اش به لبنان مهاجرت و این دوران را در آنجا سپری کند. با رسیدن به سن نوجوانی به تهران بازگشت و تحصیلات خود را از سر گرفت. با گذراندن دوران متوسطه تصمیم گرفت تا برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه سفر کند و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ادبیات در دانشگاه سوربن شروع کرد. پس از این دوران رهنما با بازگشت به ایران در ۱۳۲۶ خورشیدی نخستین دفتر شعرش را به زبان فارسی با عنوان «هیچ» با نام مستعار «کوچه» منتشر کرد (رهنما، مقدمه: ۱۳۸۱).

منظومه «برای ایران» نام نخستین دفتر شعر رهنما به زبان فرانسه بود که در ۱۹۵۱ میلادی با نام کاوه طبرستانی در پاریس منتشر شد. فریدون در سال ۱۹۵۶ میلادی مجموعه اشعار «سرودهای کهن» را با (هامش نوشته‌ای) از پل الوار شاعر سوررئالیست فرانسوی در پاریس منتشر کرد. «آوازه‌های رهایی» نیز نام آخرین دفتر شعر او به زبان فرانسه بود که در ۱۹۶۸ میلادی منتشر شد (همان).

۴.۲. تأثیر فریدون رهنما بر ادبیات معاصر ایران

فریدون رهنما خارج از ایران پرورش یافت و تحصیل کرد. زندگی او در شرایطی در قرن بیستم گذشت که این قرن محمل جریان‌های شاخصی در اوضاع جهان بود. رهنما در فرانسه سعی کرد

با جریان به روز مکتب‌های شکل گرفته ادبی همراه شود و با افزایش دانش و آگاهی خویش از این مکاتب این رهاورد ادبی و فکری خود را در ادبیات و فیلم به ایران بازگرداند و در این مسیر موفق شد چنانکه یدالله رویایی درباره او چنین گفته است:

اما اگر بخواهیم از آنچه کرده یاد کنیم ناچار باید از همان جای پای رفته او یاد کنیم مثل جای پای که در شعر امروز ایران دارد. او روی شعر نسل قبل از نسل من، یعنی نسل شاملو و شاهرودی یا بهتر بگوییم نسل بلافصل بعد از نیما خیلی مهربانانه و سخاوتمندانه اثر گذاشت بی آنکه خواسته باشد تظاهر کند و بنمایاند که نفسی از او در شعر این شاعران وجود دارد. شاملو اولین کسی بود که به این اثرگذاری رهنما بر شعر خودش اشاره کرده است. در میان سینماگران ایران هم، چه در داخل و چه خارج از آن، بودند که از نفس او بهره گرفتند (رویایی، مقاله: فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران).

محمد رضا اصلانی نیز درباره کارنامه هنری فریدون رهنما چنین نوشته است:

من در ۲۳ سالگی - یک سال بعد از انتشار نخستین کتابم در سال ۱۳۴۵- با او آشنا شدم. او در آن زمان روی شاهنامه کار کرده و فیلم «سیاوش در تخت جمشید» را ساخته بود و ایران را خیلی خوب می‌شناخت. جامع بودنش او را صاحب یک نظریه کرده بود. نظریه‌ای که می‌توانست برای فضای ادبی و هنری ایران پنجره‌ای باشد جهت ایجاد تنفس. وقتی او وارد فضای ادب و هنر ایران شد، خیلی زود افراد زیادی گردش جمع شدند. از شاملو گرفته تا فروغ و سهراب و همین‌طور نقاش‌هایی چون بهمن فرمان آرا. رهنما یک محفل ایجاد کرده بود. روی جوان‌هایی مثل احمد رضا احمدی تأثیر ب‌تواری داشت که مخرب هم نبود. کتاب اول احمدی تحت تأثیر نشست و برخاست با رهنما شکل گرفت. بعدها او از رهنما برید و به حلقه گلستان و بعدتر مسعود کیمیایی پیوست (همان).

رسول رخشا نیز درباره حرکت روشنفکری رهنما در دهه چهل بیان کرده است:

برخی هنرمند هستند و سواى هنرشان، هنر دیگری هم دارند، آن هم تأثیری که می‌توانند بر اطرافیان و اطراف خود بگذارند، برخی نگرش خود را از جای دیگری می‌گیرند و برای نگاه کردن به افق‌های جدید به سرزمین خود بازمی‌گردند تا سکوهایی برای باز دیدهای نو به جهان بکشایند، برخی پا بر راهی که نهاده‌اند انگار دیگر نمی‌خواهند یا نمی‌توانند از آن بازگردند آنقدری که این راه بی‌بازگشت می‌شود نوشت و سرنوشت آنها. برخی راهنمای یک نفر می‌شوند، برخی رهنمای چند نفر و برخی راهگشای یک نسل. فریدون رهنما یکی از همین برخی‌هاست، کسی که تأثیر قابل‌ی داشته است نه بر یک نفر، نه بر چند نفر که بر بخش بزرگی از جامعه فرهنگی / هنری یک دوره مشخص تاریخی فکری. فریدون رهنما بر روشنفکری شکل یافته / نیافته ما در آن دوران یعنی حوالی دهه مهم فرهنگ ما، دهه ۴۰، تأثیر زیادی داشته است. شاعری که سه کتاب شعر بیشتر منتشر نکرد و همگی هم به زبان فرانسه اما تأثیرش بر شعر مدرن و معاصر ما فراتر از انتشار شعر به زبان دیگری بود و هست (همان).

شمس لنگرودی در کتاب خود تاریخ تحلیلی شعر نو جلد چهارم (ص ۹۰) به اهمیت و تأثیر فریدون رهنما در شکل‌گیری و موفقیت فروغ فرخزاد و احمد شاملو اشاره کرده می‌نویسد: مجموعه اول علی باباچاهی... کم اثرتر و بی‌مایه‌تر از مجموعه‌های اول فروغ فرخزاد و شاملو نبود، اما راهی که آن دو شاید به کمک فریدون رهنما و ابراهیم گلستان یافتند به جوهره شعر

می‌رسید، در حالی که علی باباچاهی در مجموعه دوم نیز هنوز در گرداب شور جنونی شاعرانه در چرخش است، لنگرودی در همین کتاب جلد سوم صفحه ۳۶ ضمن سخن گفتن درباره کتاب طرح احمدرضا احمدی که آن را به عنوان نخستین اثر جریان موسوم به موج نو خطاب می‌کند، به تأثیر فریدون رهنما اشاره می‌کند و حتی نام‌گذاری موج نو را مرهون فریدون رهنما می‌داند با این جملات: اشعار طرح، پس از انتشار، ظاهراً از طرف فریدون رهنما مقدمه نویس اولین چاپ قطعنامه شاملو با وام از نام سینمای موج نو فرانسه، که در آن سال‌ها هوادار فراوانی در ایران داشت موج نو نام گرفت.

و در جایی دیگر روشن تر به این موضوع می‌پردازد:

بر قطعنامه مقدمه مفصلی گذاشته شده است که نویسنده آن چوبین (فریدون رهنما) است. کلمات شعر اصیل و صمیمی "همچون باروت می‌ترکد" (به قول مایاکوفسکی)، چون شعر نمی‌تواند حقیر باشد و تعظیم و بردگی پیش گیرد. گو "صبح" (نام شاعرانه شاملو در آغاز) خود را در "چارچوب" خویش محبوس می‌داند، ولی زندان او پرحاصل‌تر از کاخ‌ها و باغ‌های تنبلی است. حبس شعرش دیوارهای بشری دارد... زندانی که شاید روزی - پس از تولد حقیقی صبح - در هم بشکند و دیگر مبدل به خانه‌ای به سان خانه آراگون شود (لنگرودی ج ۱ ص ۴۷۲).

و باز در جای دیگری (ج ۲ ص ۵۴۵) فریدون رهنما را "راهنمای احمد شاملو و احمد رضا احمدی در شناخت بهتر شعر جهان" می‌داند.

۳.۴. فریدون رهنما و پل الوار

چنانکه بیان شد، رهنما در فرانسه تحصیلات خود را پی گرفت و به زبان و ادبیات فرانسه بسیار مسلط بود. در همان زمان که نهضت سوررئالیسم شکل گرفت و آندره برتون و پل الوار پایه‌های این رویکرد را پی‌ریزی می‌کردند، رهنما حضور داشته است و در محافل آنان شرکت می‌کرد. به زبان فرانسه شعر می‌سروده؛ و جریان روشنفکری و اندیشه‌های نو را از نزدیک می‌دید: «دوره‌ای که آراگون و الوار شاعرانی معتبر بودند و حزب کمونیست فرانسه قدرت داشت. فرانسه از دوران مقاومت برخاسته بود و افرادی از شاخه‌های مختلف سیاسی در عرصه هنر حضور یافته بودند. شاخه راست در دست آندره مالرو بود و شاخه چپ را سوررئالیست‌هایی چون آندره برتون عرضه کرده بود. تمام اینها روی رهنما تأثیر عمیقی داشتند. سوررئالیست‌ها چه در تفکر چپ و چه در تفکر راست کشور فرانسه از نظر ذهنی و ساختاری و مشارکت در محافل و مباحث مختلف مشارکت فعالی داشتند. در آن دوره‌های مختلف هنری در سینما و نقاشی و ادبیات به عرصه رسیدند. رمان نوی فرانسه شکل گرفته بود و آلن رب-گریه و لوکلزیو مطرح شده بودند. این تأثیرها به علاوه مطالعات آکادمیک و ادبی رهنما در مجموع او را بدل کرد به آدمی جامع‌الاطراف که با کل هنر اروپا آشنایی عمیقی داشت» (اصلائی، فصلنامه چوک، مقاله: فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران).

تسلطی این‌چنین و جامع‌الاطراف بودن از جریان مطالعات آکادمیک و ادبی اروپا باعث تأثیرگذاری رهنما بر اندیشه معاصر شاعران ایران شد. در واقع معرفی و شناسایی شاعران

تأثیرگذار در جهان از فرهنگ و کشوری دیگر می‌تواند دریچه‌های بسیاری برای اندیشه شاعران کشور دیگر بگذارد و نقش ترجمه در این میان در تبادلات فرهنگی و ادبی و فکری این تأثیرات بسیار حائز اهمیت است؛ در واقع «فریدون رهنما نخستین کسی بود که لویی آراگون، پل والری، ژاک پره ور، پل الوار و خیلی‌های دیگر را به شاعران ایرانی شناساند، تأثیر او بر شاعران پیشروی دوران در ایران به شکلی است که نگرش و شیوه برخورد این شاعران را با مفهوم شعر تغییر داده است. او «قطعه‌نامه» نخستین مجموعه شعر شاملو را منتشر می‌کند و برایش مقدمه می‌نویسد. احمدرضا احمدی بارها از تأثیری که رهنما بر او و هم‌نسلانش گذاشته است یاد می‌کند. از شاعران موسوم به «شعر دیگر» که شاعران آوانگارد دوران بودند، حمایت می‌کند. اگر رهنما نخستین راهنمای هنر پیشرو برای هنرمند ایرانی نبود بی‌تردید یکی از نخستین کسانی است که این موضوع را به هنر و هنرمندان سرزمینش آموخت» (رخشا، فصلنامه چوک، مقاله: فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران).

رهنما اندیشه‌های شاعران صاحب سبک فرانسوی را به خوبی درک می‌کند و به واسطه ارتباط نزدیک و تسلط بر زبان فرانسه بهتر می‌تواند به جهان‌بینی حاصل از اندیشه‌های مکتب فراواقع‌گرا دست یابد. در واقع تأثیرگذاری این جنبش در اندیشه‌های او که حاصلش در شعرها و آثارش نمود پیدا می‌کند بیش از همه از پل الوار است. الوار بر جهت نگاه فکری رهنما اثر می‌گذارد و این اثر در زبان خود را نشان می‌دهد زیرا «آنچه خواننده متون سوررئالیستی را شگفت‌زده می‌سازد، زبان است» (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). رهنما اولین مجموعه شعرش را به نام «سرود برای ایران» زمانی منتشر می‌کند که «پل الوار» هنوز زنده بود. الوار بعد از دیدن شعر او جمله ستایش‌آمیزی خطاب به او نوشته بود با این مفهوم که:

«فریدون رهنما که با صدای بلند می‌خواند آوازهای نجیب و بلندپایه‌اش را...» (حسین پور، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

درباره زمینه تأثیرپذیری از ادبیات فرانسه، رهنما در اشعار اولیه خود زبانی ارائه می‌کند که به زبان پل الوار بسیار نزدیک است. چهارمین مجموعه شعر او که با نام «آوازهای رهایی» انتشار یافت، کاملاً با اشعار دفترهای پیشینش تفاوت داشت. رهنما عاشق پهنه‌های وسیع بود و این نگاهی است که در بیشتر اشعارش نمود یافته است. او بدون اینکه به یک فضای خاص بپردازد عشقش به بی‌کرانگی و وسوسه حضور در ابدیت را در اغلب شعرهایش باز گفته است. دل‌بسته واقعیت بود، بی‌آنکه با آن بماند، واقعیت‌ها را به رویاهای دور دست می‌برد و ارضای خاطر او این بود:

یافتم ویرانه را که رویای مسکنم بود/ زمین، ای ریشه من / ای درد سرکشم/ بر شکم تو، با چشمه‌های کوبی به رؤیایم / در وقت ترک / خون تو در من جاری است / آسمان، اضطراب من است / و عشق گمشده‌ام / ... / بیدار می‌مانم / مدام بر فراز گورستان‌ها / آمدن توالی اعصاب را نگاه می‌کردم / سقوط ژرف بود / من سایه‌هایی می‌دیدم / که ناپدید می‌شدند در دور / بر روی سنگفرش‌های روشنایی (روایی، فصلنامه چوک، مقاله: فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران)

در این اشعار می‌توان بازی با زبان و ویرانگی زبان را به مشاهده نشست که چگونه رهنما بی‌کرانگی زمین و آسمان را با بی‌کرانگی عشق در کنار هم قرار داده است و جهان ابدیتی برای مخاطب ساخته که او را از فضای تنگ و اسارت زمان و مکان نجات می‌دهد تا در رهایی جهان نوساخته او اندکی بیاساید.

رهنما در شعر دیگری نیز این جستجوی ابدیت و بی‌کرانگی را تحت تأثیر جنبش فراواقع گرا چنین می‌سراید:

گشت و گشت و گشت / با گفتن در زاویه‌های پنهان / گشت / گشتن شد گفتن / گفتن گشتن
شد / هی گفت هی گشت / تا وقتی که / با رفتن از زاویه‌ای پنهان روزی گفت: / گشتن! / (از دفتر لبریکته‌ها)

در این شعر تکرار واژه «گشت» تحت تأثیر تکرار در شعر غربی و شاعران فراواقع گرا است. در واقع تکرار شگردی است که در بلاغت غربی با عنوان آنافورا^۱ شناخته می‌شود. آنافورا عبارت از تکرار واژه یا واژگانی در ابتدای جمله، عبارت، جمله‌واره، بیت یا مصراع است (Greene et, 2012: 50). در این شکل از تکرار بسته به نوع نگارش شعر موارد همسان به شکل عمودی ذیل هم قرار می‌گیرند یا به شکل افقی کنار هم می‌آیند. احمد شاملو نیز به پیروی از پل الوار این گونه از تکرار آنافورا را به کار برده است.

طرفه اینکه آغازین سطور شعر آغازین منظومه "قطعه‌نامه"، با عنوان "تا شکوفه سرخ یک پیراهن" حاوی این آرایه محبوب الواراند:

سنگ می‌کشم بر دوش
سنگ الفاظ
سنگ قوافی را...

شعر پایانی مجموعه (قصیده برای انسان ماه بهمن) به همین آرایه آراسته است:

استخوان ننگ
استخوان حرص
استخوان یک قبا بر تن سه قبا در مجری
استخوان یک لقمه در دهان سه لقمه در بغل
استخوان یک خانه در شهر سه خانه در جهنم
استخوان بی تاریخی

می‌شود گفت از این پس این شیوه سخن‌سرایی همواره همراه شاملو می‌ماند تا واپسین سخن.
محمدی (۱۳۹۹: ۳۲) معتقد است:

هر چند تکرار عمودی واژگان در شعر شاملو منحصر به اثر پذیری او از شعر الوار نیست وجود شباهت‌هایی بین تکرارهای شاملو و الوار هم در ساختار کلی آنافورا و هم در جزئیات آن نشان می‌دهد تکرارها عموماً با تأثیرپذیری از الوار به شاملو راه یافته است.

این تکرار واژه «گشت» به شکل تکرار آنافورا در شعر رهنما و تکرار «زاویه پنهان» هم در مضمون یعنی رهایی از زمان حاضر و شکستن عرف زبان در صورت حاصل تأثیر او از جریان فراواقع‌گرا است که در این شعر الوار نیز سابقه این تکرار مشاهده می‌شود:

Je te l'ai dit pour les nuages
 Je te l'ai dit pour l'arbre de la mer
 Pour chaque vague pour les oiseaux dans les feuilles
 Pour les cailloux du bruit
 Pour les mains familières
 Pour l'œil qui devient visage ou paysage
 Et le soleil lui rend le ciel de sa couleur
 Pour toute la nuit bue
 Pour la grille des routes
 Pour la fenêtre ouverte pour un front découvert... (2003: 53).

رهنما همچنین سعی کرد نهضت فراواقع‌گرا را با ادبیات کلاسیک ایران ترکیب کند تا راه نویی بگشاید. علاقه او به متون کهن باعث شد تا در هم‌نسلانش این اثرگذاری بیشتر شود. این علاقه رهنما به ادبیات کلاسیک ایران اتفاق جدیدی را ایجاد کرد؛ اصلانی در این باره گفته است:

فریدون رهنما به شدت دو فرهنگ بود. کمتر فیلمسازی داریم که فردوسی یا مولوی را به‌خوبی او بشناسد. رهنما نگاهی تصویری داشت. او مرا برانگیخت که شاهنامه و مولوی را بخوانم. رهنما کسی بود که در مقالاتش به نثر فارسی توجه کرد. نثر او ادامه دهنده نثر بیهقی و بیش از آن ادامه دهنده عطار بود. در آن دوران نثر را جزو کلام ادبی نمی‌دانستند. رهنما نثر ادبی ایران را احیا می‌کند و از این بابت مدیون او هستیم (اصلانی، فصلنامه چوک، مقاله: فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران).

در واقع نثر مسجع و مصنوع در سبک ادبی فارسی کلاسیک به شعر نزدیک است و رهنما با خوانش متون کلاسیک این سبک را به هم‌نسلان شاعر و فیلمسازش منتقل کرده است. شاملو این تأثیر را پذیرفته بود در واقع «نثر شاملو ترکیبی از بیهقی و عطار است و این تأثیر او ناشی از التفاتی است که رهنما رقم زد» (همان).

این توجه رهنما به ادبیات کلاسیک ایران و در واقع تحول در مکتب فراواقع‌گرایی با اندیشه ایرانی باعث شده است تا هانری کرین او را با شهاب‌الدین سهروردی قیاس کند و از سرحیرت بگوید:

آنچه مرا متحیر کرده است، نوع کاری است که فریدون رهنما درباره فصل سیاوش کرده و مشابه کاری است که سهروردی، شیخ‌الاشراق، احیاکننده حکمت خسروانی ایران باستان، در سده دوازدهم میلادی، درباره برخی از فصل‌های شاهنامه انجام داده تا بتواند از این راه حکایت‌های عارفانه خود را بیافریند... دقیقاً همین یادآوری از یادرفته‌ها بود که موجب شد آن

شب به دوستم فریدون رهنما بگویم: «توانسته‌اید بی‌درنگ و به صرافت طبع، همان بن‌مایه ارجمندی را بازیابید که فیلسوفان ایرانی ما همواره در پی آن بودند».

به گمان باید این سخن را از نو بگویم چون نمی‌توانم درود گرم‌تری به حاصل تلاش و زحمات او بفرستم. تلاشی که با شجاعت و ایستادگی او همراه بوده است و در عین قدردانی از کاری که انجام داده، می‌خواهم بگویم باز چه امیدهایی است به طرح‌هایی که در سر دارد، آرزو داریم تا زمینه‌ای فراهم آید تا آن‌ها را عملی سازد. چون اشتیاق او و دوستانش جز این نیست که آن سنت معنوی ایران را که عمیقاً در او راه یافته، برای همه ما کنونی کند (کربن، ۱۳۹۵: ۱۴۵). داریوش شایگان نیز رهنما را شخصیت جامع‌الاطراف توصیف کرده است و او را بستر آفرین شعر مدرن معاصر فارسی می‌داند. رهنما در کنار افرادی چون هوشنگ ایرانی در نوآوری همه جانبه شعر فارسی دهه چهل و جریان‌سازی در شعر معاصر فارسی چون موج نو، شعر دیگر و شعر حجم تأثیرگذار بوده است (شایگان، ۱۳۸۹: روزنامه شرق). این تأثیرگذاری رهنما در شعر معاصر ایران چنان است که نیما، پدر شعر نو درباره رهنما چنین می‌گوید:

حرف است که شعر ما به جا می‌ماند؟ البته اگر موضوع عالی باشد و در آن حال و کیفیتی، زمان او را نگه می‌دارد. من دو سه شاگرد دارم، شاهرودی و شاملو و دیگران که هنر کار مرا فهمیدند و امیدوارم فریدون رهنما بعد از من کمک من باشد. مع الوصف نه کسی هنر مرا شناخته است و نه کسی فکر و معرفت‌های مرا. کسانی که هنر مرا به جا آوردند: فریدون رهنما، شاملو و دیگران (یوشیج، ۱۳۸۸: ۷۵).

۵. نتیجه‌گیری

جنبش سوررئالیست یا فراواقع گرا یکی از جریان‌های تأثیرگذار بر ادبیات جهان از جمله ادبیات فارسی است که در این مقاله به تاریخچه آن اشاره شد. همچنین مقاله این موضوع را واکاوید که فریدون رهنما، شاعر، فیلمساز و مترجم در انتقال تأثیرگذاری این روند در شعر معاصر ایران به دلیل آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در محافل و ارتباط نزدیک با بنیانگذاران این نهضت از جمله پل الوار سهیم بوده است. رهنما همچون نامش راهنمایی برای شاعران، فیلمسازان و متفکران ایرانی در آشنایی با ظرافت‌های این جنبش داشته است به طوری که پل الوار او را در سرودن شعرهایش تشویق می‌کند و هانری کربن، اسلام‌شناس و خاورشناس فرانسوی او را با شیخ شهاب‌الدین سهروردی قیاس می‌کند. در این راستا بسیاری از شاعران بزرگ نوپرداز معاصر مانند نیما یوشیج، احمد شاملو، فریدن مشیری، احمد رضا احمدی و... از تأثیر و نقش رهنما در خلاقیت و ابداع سبک شعر خود سخن گفته‌اند. رهنما با علاقمندی به آثار کلاسیک ایران مانند شاهنامه فردوسی و آثار بیهقی و... نهضت فراواقع گرا را با سبک این متون ترکیب کرده، راه و شیوه جدیدی پیش پای شاعران نوگرا، موج نو و حجم در ادبیات معاصر ایران می‌گذارد.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۶۷). *زبان و نگارش فارسی*. تهران: سمت.
- الوار، پل (۱۳۹۵). "دونامه از پل‌الوار برای فریدون رهنما". بخارا، ش ۱۱۲، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۸۴۰.
- جعفری قریه علی، حمید؛ سیدزیدی، زهرا و افشارکیا، بتول (۱۳۹۹). "طبیعت و کارکردهای آن در دستگاه فکری فریدون مشیری و پل‌الوار". *دوفصلنامه ادبیات تطبیقی*، دوره: ۱۲، شماره: ۲۲، صص ۵۱-۷۴.
- حسین‌پور چافی، علی (۱۳۸۳). *جریان‌های شعری معاصر از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)*. تهران: امیرکبیر.
- حسین‌پور، علی (۱۳۸۲). "شعر موج نو و شعر حجم‌گرای معاصر فارسی". *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)*، دوره ۴۶، شماره ۱۸۸، صص ۱۵۷-۱۸۰.
- حقوقی، محمد (۱۳۶۸). *شعر و شاعران*. تهران: انتشارات نگاه.
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۴). *مکتب‌های ادبی*. چاپ سیزدهم، جلد دوم، تهران: نگاه.
- رؤیایی، یدالله (۱۳۵۷). *از سکوی سرخ (مسائل شعر)*. تهران: انتشارات مروارید.
- رهنما، فریدون (۱۳۸۱). *واقعیت‌گرایی فیلم*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری نوروز هنر.
- «فریدون رهنما در یک نگاه». آزما، ش. ۹۲ (آبان و آذر ۱۳۹۱): ۳۳ و ۳۲.
- قلعه تکی، لیلا (۱۳۹۷). *مطالعه تطبیقی اسطوره ققنوس در شعر نیما یوشیج و پل‌الوار*، نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی، تهران: <https://civilica.com/doc/902239>.
- کرین، هانری و فریده رهنما (۱۳۹۵). "سیاوخش در تخت جمشید". *مجله بخارا*، ش. ۱۱۲، صص ۱۴۰ تا ۱۵۲.
- محمد علی، محمد (۱۳۷۲). *گفتگو با شاملو، دولت آبادی و اخوان ثالث*. تهران: نشر قطره.
- محمدی، اویس و مراد اسماعیلی (۱۳۹۹). "تأثیر فرم شعر پل‌الوار بر احمد شاملو". *فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۴-۵۵.
- موسوی شیرازی، سید جمال (۱۳۸۷). "تأثیر سوررئالیسم بر تفکر معاصر". *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۵۰، صص ۱۴۷-۱۵۷.
- نامجویان، فاطمه (۱۳۹۱). *تأثیر ترجمه آثار سوررئالیستی برخی شاعران فرانسه (پل‌الوار، ژاک پرور) بر شعر سپید شاملو*. پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- یوشیج، شراگیم و نیما یوشیج (۱۳۸۸). *یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج*. تهران: مروارید.

منابع اینترنتی

- <http://www.alalettre.com/eluard.php> آخرین بازدید ۹۹/۶/۱۰؛ درباره پل‌الوار؛ سایت نویسندگان فرانسه

فریدون رهنما و تأثیرش بر ادبیات ایران، آخرین بازدید: <http://www.chouk.ir/maghaleh-naghd>

۹۹/۸/۷

<https://www.irna.ir/news/۸۳۸۹۹۵۰۸>

قوکاسیان زاون. (۱۳۸۹). از فریدون رهنما غافل نشویم، روزنامه شرق

آخرین بازدید: <https://www.irna.ir/news/۸۳۸۹۹۵۰۸> / ۹۹/۷/۸

References

- Ahmadi-e Givi, Hassan (1988). *Persian Language and Writing*. Tehran. (In Persian)
- Anousheh, Hassan (1997). *Persian Literary Encyclopedia*. Volume Two, First Edition, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 840. (In Persian)
- Éluard, Paul (2016). "A Letter from Paul Éluard to Fereydoun Rahnama". Bukhara, No. 112, pp. 180-181. (In Persian)
- Corbin, Henri and Farideh Rahnama. (2016). "Siavash at Persepolis". Bukhara Journal, No. 112, pp. 140-152. (In Persian)
- "Fereydoun Rahnama at a Glance". Azma, No. 92 (November-December 2012), pp. 32-33. (In Persian)
- Ghaleh Taki, Leila. (2018). Comparative Study of the Phoenix Myth in the Poetry of Nima Yushij and Paul Éluard. First National Conference on Literary Research with a Focus on Comparative Studies, Tehran: <https://civilica.com/doc/902239>. (In Persian)
- Greene, Roland, Stephen Cushman, Clare Cavanagh, (2012). Jahan Ramazani and pual Rouzer. *The Princeton Encyclopedia of Poetry and Poetics*. Princeton University Press.
- Hoghoghi, Mohammad. (1989). *Poetry and Poets*. Tehran: Negah Publications. (In Persian)
- Hosseinpour Chafi, Ali. (2004). "Contemporary Poetic Movements from the Coup d'état (1953) to the Revolution (1979)", Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Hosseinpour, Ali. (2003). "New Wave Poetry and Contemporary Volume Poetry in Persian". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Tabriz)*, Vol. 46, No. 188, pp. 157-180. (In Persian)
- Jafari Gharieh, Ali; Seyyed Yazdi, Zahra; and Afsharkia, Batool. (2020). "Nature and Its Functions in the Thought System of Fereydoun Moshiri and Paul Éluard". *Journal of Comparative Literature*, Vol. 12, No. 22, pp. 51-74. (In Persian)
- Mohammadi, Mohammad Ali. (1993). *Interview with Shamloo, Dolat Abadi, and Akhavan Sales*. Tehran: Ghatreh Publishing. (In Persian)
- Mohammadi, Oveis and Ismaili, Morad. (2020). "The Impact of Paul Éluard's Poetic Form on Ahmad Shamloo". *Quarterly Journal of Comparative Literature Studies*, Vol. 8, No. 1, pp. 24-55. (In Persian)
- Mousavi Shirazi, Seyyed Jamal. (2008). "The Impact of Surrealism on Contemporary Thought". *Research on Foreign Languages*, No. 50, pp. 147-157. (In Persian)
- Namjouyan, Fatemeh. (2012). *The Impact of Translations of Surrealistic Works by Some French Poets (Paul Éluard, Jacques Prévert) on Shamloo's White Poetry*. Thesis for the Ministry of Science, Research and Technology - Allameh Tabatabai University - Faculty of Literature and Foreign Languages. (In Persian)
- Rahnama, Fereydoun. (2002). *Realism in Film*. Tehran: Nowruz Art and Cultural Institute. (In Persian)
- Royâee, Yadollah. (1978). *From the Red Platform (Issues of Poetry)*. Tehran: Morvarid Publications. (In Persian)

- Seyyed Hosseini, Reza. (2005). *Literary Schools*. Thirteenth Edition, Volume Two, Tehran: Negah. (In Persian)
- Yushij, Sharaghim and Nima Yushij. (2009). *The Diaries of Nima Yushij*. Tehran: Morvarid. (In Persian)
- Ziar, Mohammad (2020) «Le langage imagé de Ferydoun Rahnéma, poète iranien de langue française». in *Langue française, écrivains francophones*, Editions L'Harmattan, Paris.